

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه دوم: ۹۲ / ۷ / ۱۱

مقدمه

در تفسیر آیات اجتماعی قرار شد به مناسبت، سوره مبارکه حشر و حجرات را مورد تفسیر موضوعی قرار دهیم و پس از آن به آیات اجتماعی که در قرآن پراکنده می باشند، بپردازیم. سوره مبارکه حشر چون درباره منافقین و کفار بحث می کند و هم تباری آنها و رابطه این سوره با سوره مبارکه مجادله^۱ دقیقاً مشخص کننده این واقعیت است که آیه مبارکه حشر در مورد مسائل اجتماعی است. زیرا اولین مسأله ای که در زندگی اجتماعی مطرح است، دسته بندی اجتماع است. در سوره مبارکه مجادله از آیه چهارده تا آخر سوره، تقریباً یک تقسیم بندی اجتماعی دارد که طبق آن، جامعه به دو بخش تقسیم می شود که برای سلامت جامعه باید یک بخش رشد کند و بخش دیگر سقوط کند تا سعادت مندی جامعه تضمین شود.

بررسی آیات چهاردهم تا آخر سوره مجادله

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِمَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴) أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵) اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۶) لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخَلِّفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَافِرُونَ (۱۸) اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَّا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹) إِنَّ الَّذِينَ يَخَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (۲۰) كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱) لَأَجِدَنَّ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَّا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲) (مجادله، آیات ۲۲-۱۴)

جریان زندگی اجتماعی با یک محوریت شکل می گیرد و آن محوریت ارتباطاتی است. ارتباطات در زندگی اجتماعی حرف اول را می زنند. یعنی هر مقدار که یک جامعه از ارتباطات برخوردار باشند، به همان اندازه آن جامعه سالم است.

ارتباطات در یک جامعه بر اساس دو اصل بوجود می آید.

اصل اول: احتیاج و نیازمندی

^۱ توجه شود که این سوره، و سوره قبل از سوره حشر می باشد.

افراد بر اساس نیازمندی به همزیستی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و این اصل خواه ناخواه در یک زندگی مادی شکل می گیرد. انسانها بر اساس نیازی که به هم در معیشت و برای گذراندن زندگی روزمره دارند، با هم ارتباط و مراوده برقرار می کنند.

بر خلاف یک جامعه دینی که در آن، ارتباطات بر اساس جریان وابستگی معیشتی و نیازهای مادی صورت نمی گیرد و این خود یک اصل قابل توجه و مهمی است؛ یعنی آنچه جامعه دینی را از یک جامعه لائیک جدا می کند همین مسأله است.

مشکلی که برخی از کشورهای اسلامی دارند این است که حاکمان آن جامعه، لائیک می باشند و سعی می کنند که جامعه و بافت اجتماعی را هم لائیک کنند در حالی که جامعه دینی است و قابلیت لائیک شدن را ندارد؛ زیرا تفاوت بین جامعه لائیک و دینی یک جریان اصلی و محوری ارتباطی جامعه است. در جامعه لائیک ارتباطات بر اساس نیازهای معیشتی که مبتنی بر همزیستی هست، تشکیل می شود ولی در جامعه دینی، ارتباطات - که محور زندگی اجتماعی است - بر اساس روابط قلبی و بهم پیوستگی باطنی تشکیل می شود. در جامعه دینی، انسانها خیلی وابستگی معیشتی شان صاحب نقش نمی باشد. حتی ممکن است در عین وابستگی معیشتی، به خاطر عدم ارتباط باطنی، چنین رابطه ای (رابطه معیشتی) برقرار نشود مثلاً: کارگری که خیلی محتاج به امور معیشتی است، اما پیش کارفرمایی که دین ندارد، نمی رود و یا بالعکس.

بنابراین از آیه ۱۴ سوره مجادله تا آخر این آیه، آفت و آسیب زندگی اجتماعی را در یک جامعه دینی، رابطه قلبی و ارتباط باطنی بین انسانها مؤمن و انسانهای کافر می دانیم.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَكَّلُوا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِّبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (مجادله، آیه ۱۴)

در این آیه خداوند متعال می فرماید: منافقین با شما هستند و نه با کفار. منافقین برای رسیدن به اهداف خودشان، به دروغ هم که شده قسم می خورند.

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵) اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهِمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۶) لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸) (مجادله، آیات ۱۵-۱۸)

در این آیات خداوند متعال نتیجه عملکرد منافقین و نیز کیفیت ارتباط و اجرای نفاق منافقین با کفار و مؤمنین را بیان می کند.

در ادامه خداوند متعال می فرماید:

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ
 الْخَاسِرُونَ (۱۹) إِنَّ الَّذِينَ يَخَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (۲۰) كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلِينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ
 اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱) لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا
 ءَابَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَ
 يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ
 أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲) (مجادله، آیات ۱۹-۲۲)

این آیات برای ما قابل توجه است که ربط می دهد سوره مجادله را با سوره حشر به عنوان یک مسأله اجتماعی. در این آیات منافقین حزب شیطان معرفی شده اند.

خداوند متعال می فرماید: منافقین حزب شیطان هستند که در آخر خوار می شوند و این یک سنت الهی است و در نهایت این خداوند متعال و پیامبران هستند که پیروز می شوند.

در ادامه دو حزب (حزب الله و حزب الشیطان) معرفی شده اند.

حزب شیطان دوست کسانی هستند که دشمن خداوند متعال و رسول خداوند متعال هستند.

حزب الله کسانی هستند که دشمنان خداوند متعال و رسولش را دوست ندارند، هر چند آن دشمنان پدران یا پسران یا برادران و یا اقوام باشند. کسانی که در قلبهایشان ایمان نهاده شده است و مورد تأیید خداوند متعال می باشند.

پس بین دو گروه مؤمنین و کفار هیچ رابطه اجتماعی قابل تصور نمی باشد.

بافت جامعه دینی بر اساس حزب الله است و یک جریان فاسد در جامعه دینی وجود دارد که همان حزب شیطان یا منافقین هستند که ذات مقدس پروردگار سرنوشت آنها را در سوره بعدی یعنی سوره حشر بیان فرموده است.

حال مشخص شد که اولین بحث در مسائل اجتماعی، ماهیت زندگی اجتماعی ما است؛ ماهیت جامعه ای است که می خواهیم در آن زندگی کنیم و شناخت عامل بر هم زننده و ویروس زندگی اجتماعی در جامعه دینی است؛ که دانستیم و ویروس جامعه دینی، مسأله نفاق است. از آیه دوم سوره حشر مسأله منافقین و سرنوشت آنها و نشان دادن نمادی از منافقین در رابطه با یک قوم یهودی که در مدینه بودند به نام بنی نضیر، مشخص شده است و رابطه منافقین با یهودیان بنی نضیر و جریان کشتن پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط یکی از یهودیان که توسط منافقین اجیر شده بود، بیان شده است و نیز برخوردی که منافقین با مسلمین و با یهودیان بنی نضیر داشتند، بیان شده است.

لذا اولین مسأله ای که ما در زندگی اجتماع داریم، شناخت و ویروس زندگی اجتماعی است که در این سوره مشخص شده است.

بعد از اینکه رهبری پس از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از خط اصلی منحرف شده، در انقلاب ایشان ارتجاعی بوجود آمد و باید گفت: در انقلاب هر پیامبری، ارتجاع^۲ بوجود آمد.

اینکه حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: بعد از شهادت رسول اکرم، مردم به نفاق برگشتند، مراد همین نفاق است. و مسائلی که پس از شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوجود آمد همان ارتجاعی بود که از طرف منافقین بوجود آمد. آمدن عدّه ای رجّاله پشت درب خانه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، آن هم خانه ای که رسول اکرم به مدت شش ماه، هر روز صبح آنجا می ایستاد و آیه تطهیر^۳ را تلاوت می فرمود. پس این خانه یک خانه معمولی نبوده است. لذا اینکه عدّه ای به پشت این درب آمده و آن وقایع را رقم می زنند و از همه عجیب تر اینکه مردم هم تماشا می کنند و اقدامی نمی کنند، در واقع بازگشت به همان اخلاقیات و عادات دوره جاهلیت است.

یک سری از این ارتجاعات را هم حتی در جریان انقلاب و پس از آن سراغ داریم. عدّه ای که به خاطر برخی منافع و یا عدم درک صحیح ماهیت انقلاب، دچار ارتجاع شدند.

برگردیم به بحث؛ گفتیم باید آیات پایانی سوره مجادله (از آیه چهاردهم تا آخر سوره) به سوره حشر وصل کنیم؛ به این معنی که اگر بعد از اتمام سوره مجادله و حذف آیه اول سوره حشر به آیه دوم سوره حشر برویم دقیقاً دنباله بحث منافقین را می توان مشاهده کرد.

ذات مقدّس پروردگار هم بر اساس وجود برخی افراد در جامعه دینی - که همان منافقین هستند - جامعه را به دو گروه مؤمنین و منافقین تقسیم کرده است.

در آیتی که از سوره مجادله آوردیم دو نوع حزب (حزب الله و حزب الشیطان) معرفی شده اند.

حزب شیطان دوست کسانی هستند که دشمن خداوند متعال و رسول خداوند متعال هستند.

حزب الله کسانی هستند که دشمنان خداوند متعال و رسولش را دوست ندارند، هر چند آن دشمنان پدران یا پسران یا برادران و یا اقوام باشند. کسانی که در قلبهایشان ایمان نهادینه شده است و مورد تأیید خداوند متعال می باشند.

سوره مبارکه حشر از جمله سوری است که بافت جامعه را به صورت شفاف بیان می کند و آن ویروس جامعه دینی، یعنی منافقین را کاملاً معرفی می کند.

اگر در تفسیر برهان - که غالباً به آن مراجعه می کنیم - ملاحظه کنیم، یک سری روایات در رابطه با خواصّ سوره حشر بیان شده است. نویسنده این کتاب جناب سید هاشم بحرانی است که اخباری

^۲ برگشتن جامعه به رسوم و آداب قبلی مثلاً: در جریان حضرت موسی، وقتی ایشان به کوه طور رفتند، بنی اسرائیل به گوساله پرستی پرداختند و به همان بت پرستی سابق برگشتند.

^۳ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. (الأحزاب، الآية: ۳۳)

است و لذا ظاهر قرآن را حجت نمی دانند و لذا مطلق استظهار از قرآن را جائز ندانسته و لذا تفسیر قرآن را قبول ندارند مگر اینکه از کمال روایات باشد. بر همین مبنی، اولین تفسیر روایی که در شیعه مطرح شد، تفسیر برهان است؛ همانطور که تفسیر روایی اهل تسنن، درالمشور است از سیوطی.

قبل از نوشته شدن تفسیر برهان، شیعه تفسیر روایی نداشته است؛ در حالی که این عقیده (کشف القطاء و پرده برداشتن از قرآن کار معصوم است) از آن شیعه است. و تفاسیر دیگری که نوشته شده است، در واقع نوعی برداشت و استظهار است؛ البته برداشتی که بر اساس یکسری کلیات و مستندات و استدلالها باشد. بنابراین ما از قرآن حق استظهار داریم و نه حق تفسیر.^۴

اخباری ها حق استظهار را هم جائز نمی دانند و می گویند: فقط باید به روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) مراجعه کرد و اگر در مورد آیه ای، روایتی وجود نداشت، باید ساکت بود و در مورد آن آیه نظری نداد.

سید هاشم بحرانی در تفسیر برهان روایاتی در اول این سوره در وصف منافقین آورده است و رد شده و کاری به آن هم ندارد. ولی ما که قائل به استظهار هستیم، معتقدیم که این روایات بی ارتباط با سوره مورد نظر نمی باشد.

اکنون به بررسی روایات می پردازیم.

۱. ابن بابویه: یاسناده، عن أبي بن كعب، عن النبي (صلى الله عليه و آله)، قال: «من قرأ سورة الحشر لم يبق جنه و لا نار و لا عرش و لا كرسي و لا حجب و لا السماوات السبع و لا الأرضون السبع و الهواء و الريح و الطير و الشجر و الجبال و الشمس و القمر و الملائكة، إلا صلوا عليه و استغفروا له، و إن مات في يومه أو ليلته مات شهيدا».

۲. من قرأ إذا أمسى الرحمن و الحشر و كل الله بداره ملكاً شاهراً سيفه حتى يصبح.

۳. و من (خواص القرآن): روی عن النبي (صلى الله عليه و آله) أنه قال: «من قرأ هذه السورة كان من حزب الله المفلحين، و لم يبق جنه و لا نار و لا عرش و لا كرسي و لا حجب و لا

^۴ در همین زمینه، روایاتی را می آوریم.

رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند:

مَنْ قَسَرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعْهُ مَعْتَدَةً مِنَ النَّارِ. (عوالی اللئالی العزیزیه؛ ج ۴، ص: ۱۰۴)

در روایتی دیگر می فرمایند:

من قسر القرآن برأيه فأصاب الحق فقد أخطأ. (زبدة البيان في أحكام القرآن؛ ص: ۱)

و نیز در روایتی می فرمایند:

مَنْ قَسَرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ - فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ - وَ مَنْ أَقْبَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ - لَعْنَتُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ - وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ الْحَدِيثُ. (وسائل الشيعة؛ ج ۲۷، ص: ۱۹۰)

امام صادق (علیه السلام) نیز در همین رابطه روایت را بیان فرموده اند مانند این روایت:

مَنْ قَسَرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ لَمْ يُوجَرْ وَ إِنْ أخطأ كَانَ إِنْهُمُ عَلَيْهِ. (بحار الأنوار؛ ج ۸۹، ص: ۱۱۰)

السموات السبع و لا الأرضون السبع و لا الطیر فی الهواء و لا الجبال و لا شجر و لا دواب و لا ملائکة، إلا صلوا علیه و استغفروا له، و إن مات فی یومه أو لیلته کان من أهل الجنة، و من قرأها لیلۃ الجمعة أمن من البلاء حتی یصبح. و من صلی أربع رکعات، یقرأ فی کل رکعة الحمد و الحشر و یتوجه إلى أی حاجه شاءها و طلبها، قضاها الله تعالی، ما لم تکن معصیه.

۴. و قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «من کتبتها و علقها و توجه فی حاجه، قضاها الله له، ما لم تکن فی معصیه».

۵. و قال الصادق (علیه السلام): «من قرأها لیلۃ جمعه أمن من بلائها إلى أن یصبح. و من توضأ عند طلب حاجه ثم صلی أربع رکعات یقرأ فی کل رکعة الحمد و السوره إلى أن یفرغ من الأربع رکعات و یتوجه إلى حاجه، یسهل الله أمرها. و من کتبتها بماء طاهر و شربها رزق الذکاء و قلۃ النسیان یاذن الله تعالی».(البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۳۳۱)

در این روایات، هم زبانی موجودات با کسی که سوره حشر را می خواند، حاکی از اثرگذاری مؤمن در جامعه و هماهنگی انسانها با موجودات است.

مثلا در روایت ابی بن کعب آمده کسی که این سوره را بخواند، بهشت و جهنم و عرش و کرسی و حجاب و آسمانها و ... بر او صلوات می فرستند و برایش استغفار می کند.

خوب اگر خواندن سوره حشر، بین مؤمنین و موجودات هماهنگی بوجود می آورد، در درجه اول بین انسانها با هم ارتباط و هماهنگی بوجود می آورد و لذاست می گوئیم: این سوره در رابطه با مسائل اجتماعی و ارتباطات موجود بین افراد آن بحث می کند.

روایت دیگر حاکی از این است که خواندن سوره حشر، باعث می شود انسان محافظ پیدا کند. حتی تا آنجا که خداوند متعال بر خانه وی فرشته ای را موکل می کند تا از آن محافظت کند. مراد از خانه، همان جامعه است. یعنی اگر انسانهای یک جامعه، سوره حشر را بخوانند و به نکات آن توجه داشته باشند، جامعه ای دور از خطر و محافظ شده خواهند داشت. به عبارت دیگر؛ جامعه ای که به مطالب این سوره توجه دارد، در یک مصونیت خاصی قرار دارد. پس خواص سوره با موضوع سوره که مسائل اجتماعی است، تناسب دارد.

و اما بررسی آیه اول سوره حشر

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (حشر- 1)

در این آیه، روی دو نکته بحث محوری داریم که نتیجه آن رابطه این آیه با زندگی اجتماعی است.

نکته اول: تسبیح موجودات که در قرآن آیات زیادی در این مورد داریم مثل: آیه اول سوره جمعه^۵ و آیه ۴۴ از سوره اسراء^۶ است؛ که جامع تمامی آیاتی است که درباره تسبیح موجودات است.

^۵ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. (جمعه- ۱)

نکته دوم: مسأله عزّت و حکمت خداوند متعال است.
در جلسه آینده به بحث از این دو نکته خواهیم پرداخت.